

۱۹ چیستان ترکی مخصوص شب یلدا

با ترجمه فارسی و جواب کامل هر چیستان

مجموعه‌ای از تاپماچهای اصیل آذربایجانی، آماده چاپ برای دور سفره یلدا؛ هر چیستان به همراه متن ترکی، ترجمه روان فارسی و جواب آن.

۱۹

چیستان با جواب

۱ تخم‌مرغ

Ağ otağım var, için qızıl dolu, qapısı yox, pəncərəsi yox.

اتاق سفیدی دارم که داخلش پر از طلاست؛ نه دری دارد، نه پنجره‌ای.

جواب: تخم‌مرغ

۲ گردو

Daş qapılı bir evim var, içində beyni gizlənib.

خانه‌ای با دری از سنگ دارم که مغزش در آن پنهان شده.

جواب: گردو

۳ شانه

Dişi var, çörək yeməz; saçda gəzər, heç doymaz.

دندان دارد ولی نان نمی‌خورد؛ در موها می‌گردد و هیچ‌وقت سیر نمی‌شود.

جواب: شانه

۴ سوزن و نخ

Balaca gözü var, arxasınca uzun quyruğu gedər.

چشم کوچکی دارد که دنبالش یک دم بلند کشیده می‌شود.

جواب: سوزن و نخ

۵ آینه

Üzünə baxan hər kəsi əks etdirər, özü heç danışmaz.

به هر کس که به رویش نگاه کند شبیه او می‌شود، ولی خودش هیچ حرفی نمی‌زند.

جواب: آینه

۶ شمع

Özü ağlar, işıq saçar; əriyə-əriyə otağı isidər.

خودش گریه می‌کند اما نور می‌پراکند؛ هرچه آب می‌شود، اتاق را روشن و گرم نگه می‌دارد.

جواب: شمع

۷ پیاز

Çox pal-paltarı var, soyulanda hamını ağladar.

لباس‌های زیادی روی هم دارد؛ وقتی پوستش کنده می‌شود همه را به گریه می‌اندازد.

جواب: پیاز

۸ سیر

Bir başı var, amma çox diş; iyi uzaqdan bilinər.

یک سر دارد اما دندان‌های زیاد؛ بوییش از دور مشخص است.

جواب: سیر

۹ ماه

Gecə çıxar, gündüz gizlənər; hər gecə üzü dəyişər.

شب‌ها بیرون می‌آید و روزها پنهان می‌شود؛ هر شب چهره‌اش کمی فرق می‌کند.

جواب: ماه

۱۰ ستاره

Göydə yüzlərlə bacı-qardaşı var, gündüz hamısı gizlənər.

در آسمان صدها خواهر و برادر دارد، اما روز که می‌شود همه پنهان می‌شوند.

جواب: ستاره

۱۱ رنگین کمان

Yeddi rəngli körpüdür, nə addım atar, nə yeriyər.

پلی هفت رنگ است، نه قدم برمی دارد و نه راه می رود.

جواب: رنگین کمان

۱۲ برف

Göydən uçar, ağ paltar geyər, yerə düşən kimi əriyər.

از آسمان پرواز می کند، لباس سفید می پوشد و همین که به زمین برسد آب می شود.

جواب: برف

۱۳ سایه

Hər yerdə mənimlədir, günəş olanda böyüyür, gecə yox olur.

همه جا همراه من است؛ وقتی آفتاب باشد بزرگ تر می شود، شب که برسد ناپدید می شود.

جواب: سایه

۱۴ کلید

Balacadır, amma ən böyük qapıları açar.

کوچک است، اما بزرگ ترین درها را باز می کند.

جواب: کلید

۱۵ چاه

Dərindir, amma dibi görünməz; su verər, kəndimiz susuz qalmaz.

عمیق است اما ته آن دیده نمی شود؛ آب می دهد و روستایمان تشنه نمی ماند.

جواب: چاه

۱۶ گربه

Gecə gözləri işıq saçar, siçan görəndə səssiz gedər.

شبها چشمانش نور می‌دهد؛ وقتی موش می‌بیند بی‌صدا حرکت می‌کند.

جواب: گربه

۱۷ خروس

Sübh tezdən oyanar, hamıdan qabaq banlayar, saati yoxdur, amma vaxtı bilir.

صبح زود بیدار می‌شود، پیش از همه می‌خواند؛ ساعت ندارد اما وقت را می‌داند.

جواب: خروس

۱۸ قیچی

İki ayağı var, amma yeriməz; ağzını açıb-yumar, həmişə kəsər.

دو پا دارد اما راه نمی‌رود؛ دهانش را باز و بسته می‌کند و همیشه می‌برد.

جواب: قیچی

۱۹ کتاب

Dili yoxdur, danışar; gözü yoxdur, göstərər.

زبان ندارد اما حرف می‌زند؛ چشم ندارد اما نشان می‌دهد.

جواب: کتاب

چپله‌گنجه‌نیز قوتلو اولسون — شب یلداپتان مبارک